

قلم سبز

کارت قرمز ۱۱۰۰دانشمند



محمد درویش

● نزدیک به هزاروصد پژوهشگر و متخصص در حوزه آب‌های زیرزمینی از ۹۲ کشور از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی درخواست کرده‌اند برای تضمین پایداری منابع آب زیرزمینی فوراً اقدام کنند.
در «درخواست به عمل» این گروه آمده است: «آب زیرزمینی، آب نامرئی زیر پای ما، ارانه‌کننده ۹۹ درصد از آب آشامیدنی کره خاکی است و آن را به موردی حیاتی برای تأمین آب شرب، تضمین امنیت غذایی، سازگاری با تغییرات اقلیمی، پشتیبانی از تنوع زیستی، پایداری آب‌های سطحی و برآورده‌شدن اهداف توسعه پایدار سازمان ملل تبدیل می‌کند».
۱- مورد توجه قراردادن پایداری آب‌های زیرزمینی با تکمیل گزارش توسعه جهانی آب سازمان ملل، برنامه‌ریزی اجلاس جهانی آب‌های زیرزمینی و شناخت اهمیت این آب‌ها در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰.

۲- مدیریت و اداره پایدار آب‌های زیرزمینی از سطح محلی به جهانی با به‌کارگیری اصل هدایت پایدار آب‌های زیرزمینی تا سال ۲۰۳۰.

۳- سرمایه‌گذاری در مدیریت و اداره آب‌های زیرزمینی با به‌کارگیری برنامه‌های پایداری منابع زیرزمینی تحت فشار تا سال ۲۰۳۰. آب‌های زیرزمینی منبع آب آشامیدنی برای بیش از دو میلیارد نفر هستند و ۴۰ درصد از آب‌های مورد مصرف در آبیاری کشاورزی دنیا را تأمین می‌کنند. استفاده از آب‌های زیرزمینی جریان بیش از ۱۵ درصد از آب‌های جاری حیاتی دنیا را متأثر کرده و می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ بر اکثر آب‌های جاری تأثیر بگذارد. حدود ۱.۷ میلیارد نفر در بالادست سفره‌های آبی زندگی می‌کنند که به‌دلیل مصرف بیش از حد تحت فشار قرار دارند. کیفیت ضعیف آب‌های زیرزمینی به افراد فقیر با منابع آب آشامیدنی نامطمئن- اغلب آب‌های کم‌عمق حفاظت‌نشده- لطمه می‌زند. برخلاف آب سطحی، آب زیرزمینی در زیر سطح زمین، در سنگ‌ها، ماسه و خاک متخلخل انبار شده است. این آب به بیرون، به آبراه‌ها تراوش می‌کند. آب زیرزمینی همچنین در آنچه «بارگیری مجدد» نام دارد، با بازنگذی دوباره بر شده و از این طریق توازن برقرار می‌شود. اما رخدادهایی مانند خشک‌سالی یا رگبارهای مفرط- نشانه‌های گرم‌شدن سیاره- تأثیر بسزایی بر بازگرداندن به این توازن دارند. گروه پژوهشگران از نتایج ارزیابی مدل آب‌های زیرزمینی به‌همراه مجموعه داده‌های هیدرولوژیکی، زمان‌بندی‌های بسیار متفاوتی در پاسخ‌گویی آب‌های زیرزمینی به تغییرات اقلیم کشف کرده‌اند؛ انتظار می‌رود منابع در نقاط مرطوب‌تر به زمان بسیار کمتری برای واکنش نیاز داشته باشند تا منابع در مناطق بسیار خشک مانند ایران و عربستان. مارک کاتبرت، از بخش علوم زمین و اقیانوس در دانشگاه کاردیف/بریتانیا و نگارنده اصلی گزارش، می‌گوید: «تحقیقات ما نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی سیستم آب‌های زیرزمینی به تغییرات اقلیم به زمان بیشتری نیاز دارد تا آب‌های سطحی و شامل فقط نیمی از آب‌های زیرزمینی جهان به‌طور کامل به مدت صد سال می‌شود». در حالی که منابع برخی مناطق شامل بخش‌هایی از آفریقا و غرب میانه ایالات متحده می‌توانند در کمتر از ۱۱۰ سال به توازن برسند، دیگر مناطق خشک شامل استرالیا، صحرای بزرگ آفریقا و بخش‌هایی از آمریکای مرکزی نشان داده شده که به هزاران سال زمان نیاز دارند. کاتبرت اضافه می‌کند: «این به آن معناست که تغییرات در جریان‌های آب زیرزمینی به دلیل تغییر اقلیم در نقاط زیادی از دنیا می‌تواند میراثی بسیار طولانی داشته باشد. این می‌تواند به‌عنوان یک بمب زمانی محبظ‌زستی توصیف شود؛ زیرا هر تغییر اقلیمی که «بارگیری مجدد» در حال حاضر تأثیر بگذارد، مدت زمانی بسیار دیرتر فقط به‌طور کامل بر جریان پایه رودخانه‌ها و تالاب‌ها تأثیر خواهد گذاشت».

خواننده عزیز ستون قلم سبز «شرق»!

به جرئت می‌گویم درجه بحرانی‌بودن شتاب فروافت اندوخته‌های فشرین آب زیرزمینی در هیچ منطقه‌ای از کره زمین، مانند ایران و کشورهای جنوبی حاشیه خلیج‌فارس و دریای عمان نیست. در این میان، تنها کشوری که توانسته است دو بار در طول دهه نخست هزاره سوم میلادی که اینک چندروزی است به پایان رسیده، رکورد فرونشست زمین را بشکند، ایران است. هم‌اکنون این رقم به مرزهای باورنکردنی ۵۴ سانتی‌متر در سال رسیده که بیش از ۱۴۰ برابر آن چیزی است که در اتحادیه اروپا به عنوان شرایط بحرانی یاد می‌شود. امبدوارم همدار کارشناسان و نخبگان جهانی که امروز نگران آینده سرنوشت کشور و تمدنی همچون هند هستند، بیشتر از هدررفت تولید گران خودممانعت می‌کرد و نرخ ضایعات را زیر پنج درصد کاهش می‌داد و ای کاش سازمان حفاظت محیط زیست به جای نگرانی از کندی اجرای طرح‌های انتقال آب و سدسازی، می‌کوشید چیدمان توسعه آینده ایران بر مبنای توانمندی‌های بوم‌شناختی کشور طراحی می‌شد.

شرق روزنامه

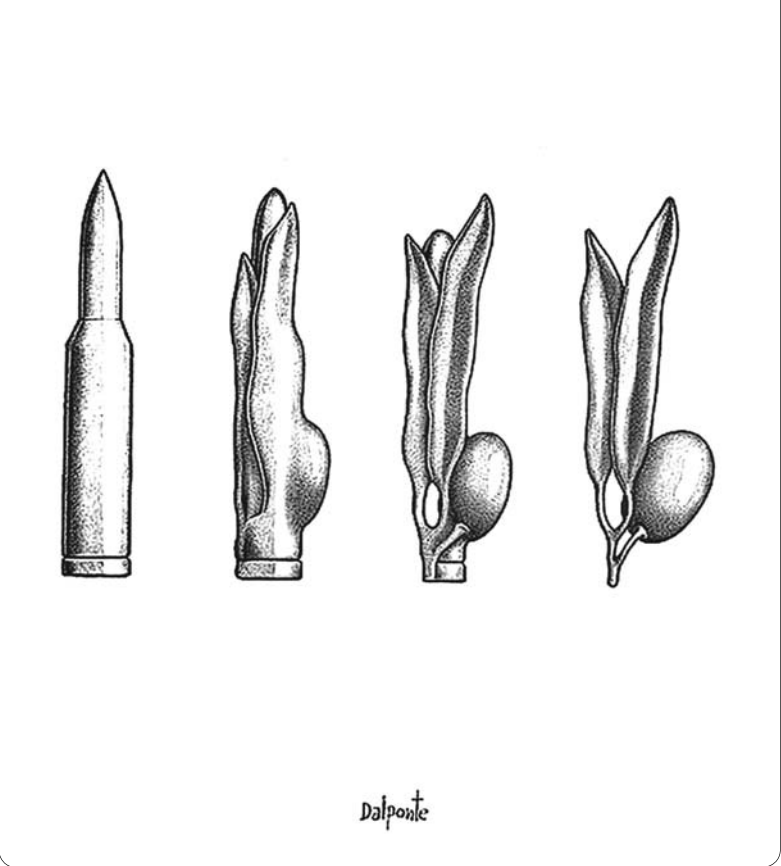
دوشنبه ● ۱۶ دی ۱۳۹۸ ● ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ● ژانویه ۲۰۲۰ ● سال هفدهم ● شماره ۳۶۱۶ ● صفحه ۱۶
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ ● اذان مغرب ۱۷:۲۵ ● اذان صبح فردا ۵:۴۵ ● طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

پانولو دالیپوته

جنگ یا صلح؟



مهاجرت

داستان جنگ در افغانستان

رضا عطایی

سرگذشت و سرنوشت انسان با جنگ پیوندی ناگسستنی داشته و دارد. البته نه تا این حد منفی و کور که بگویم «انسان، گرگ انسان است»، بلکه خلقت آدمی به‌گونه‌ای است که اگر «فطرت»ش که نشئت‌گرفته از بعد الهی و معنوی است و میل به کمال و سعادت دارد، جسم و «طبیعتش» مادی است و اقتضانات جهان ماده را دارد و طغیان‌گر و شرارت‌زا است. جنگ علاوه بر اینکه یکی از نتایج طبیعت جسمانی انسان است؛ عوامل و عناصر دیگری مانند محیط و جغرافیا، سیاست و حکومت، ثروت و قدرت، مذهب و فرهنگ نیز بر آن تأثیر گذاشته و به آن شدت و حدت می‌بخشد.

داستان جنگ در افغانستان نیز داستان بازمانی و بازیابی عناصر و عوامل یادشده است و تحلیل و بررسی آنها به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه آب و خاک افغانستان با خون عجین شده و کماکان چشمه‌های خون در آن کشور جاری است. افغانستان در طول تاریخ همواره قربانی جغرافیای منحصربه‌فردش بوده و هست، ژئوپلیتیک حساس این کشور به‌گونه‌ای است که بسیاری از آن با تعابیری مانند «کلید فتح یک قاره» (جیمز کینز)، «سقف جهان» (فهمی هویدی) و... یاد کرده‌اند. در دوره معاصر هم شاهد نقش موقعیت جغرافیایی افغانستان هستیم که چگونه در جریان «بازی بزرگ» قربانی نقشه‌های روس و انگلیس می‌شود. افغانستان امروز هم بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر توسط بازیگران جدید منطقه‌ای و بین‌المللی وارد «بازی بزرگ جدید» دیگری شد که همچنان این بازی ادامه دارد.

درباره نقش عوامل اجتماعی و سیاسی در پدیده «جنگ در افغانستان» باید گفت از زمانی که کشوری مستقل تحت عنوان «افغانستان» توسط احمدشاه ابدالی به وجود آمد (۱۷۴۷ م) تاکنون



شهادت سردار سلیمانی، ترور برنامه‌ریزی‌شده مقام رسمی یک کشور از سوی کشور دیگر است.

این جنایتی کم‌سابقه -اگر نه بی‌سابقه- در تاریخ است. قاسم سلیمانی یکی از ذخایر ملی کشور بود. گنجینه‌ای که حاصل تجربیات متعدد جنگ و تلاطمات گوناگون سیاسی-نظامی در منطقه با قدمتی بسیار طولانی‌تر از چهار دهه بود، جایگزینی او آسان نیست. اقدامات منطقه‌ای و فرامرزی ایران در جهت پیگیری منافع استراتژیک ملی از زمان انقلاب و با جمهوری اسلامی شروع نشده است. این اقدامات به لحاظ وضعیت سوق‌الجیشی کشور حتی نه به دوران شاه بلکه به سلسله‌های حکومتی پیش از آن برمی‌گردد. شاید به دوران اشکانی و جنگ «ارد» و «کراسوس» و شریک موفق‌تر او زول سزار! چندسالی بعد از انقلاب بود که مسئولان دریافتند مسائل و منافع استراتژیک به یک دوران و حتی یک شیوه حکومت محدود نمی‌شود. اتحاد شوروی هم چند سال بعد از انقلاب متوجه منافع استراتژیک روسیه تزاری شد و تا پایان آنها را پی گرفت. شاید اگر در نبرد نهایی اسپارتاکوس با کراسوس که در داخل روم صورت گرفت اسپارتاکوس پیروز می‌شد و رهبر بردگان بر همه روم باستان غلبه می‌یافت، سردار آن سوی نبرد با «ارده» پادشاه اشکانی اسپارتاکوسی بود که پس از غلبه داخلی متوجه خارج از مرزها شده! تاریخ را



بابک زمانی

نورولوژیست

نمی‌توان تغییر داد، اما شاید در آن جنگ خیالی هم پادشاه بردگان برخلاف کراسوس از امپراتور اشکانی شکست نمی‌خورد. تا مدت کوتاهی بعد از انقلاب به نظر می‌رسید این دیدگاه مخالفان ایران در کشورهای عربی است که غلبه یافته، صدام حسین تا پای دار «ایران» را دشمن خود می‌خواند و نه جمهوری اسلامی را و سلطان قابوس قطع‌نظر از حکومتی که بر ایران حکم می‌راند، ایران را دوست خود می‌خواند. بسیاری از این سیاست‌ها قدمتی چند صدساله دارند؛ مثل حمایت سنتی ایران از ارمنستان. بسیاری از مشکلات خاورمیانه و به‌ویژه عراق و سوریه هم مربوط به معاهداتی است که بعد از جنگ جهانی اول و تقسیم امپراتوری عثمانی معادلات حل‌نشده‌ای را در منطقه به میراث گذاشتند؛ صلحی که به قول معروف، همه صلح‌ها را بر باد داد! چه کسی می‌تواند ادعا کند که کشور ما باید در این مناقشه بزرگ بین‌المللی در منطقه خود منفعل باقی بماند؟ اینکه جمهوری اسلامی ایران به چه دلیل اقدامات بین‌المللی خود را از زاویه منافع ملی و تاریخی برای مردم توضیح نمی‌دهد، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، اما ضرورتاً به این بحث مربوط نمی‌شود.

احتمالاً در رده‌های پایین هم مسئولان درباره چنین تحلیل‌هایی توجیه نیستند، به‌علاوه استفاده از توجیهات به شکل یک سنت به رده‌های مختلف مسئولان به ارث می‌رسد و آن را راحل مناسبی برای توجیه توده مردم می‌یابند- شیوه حکومت هم مثل قدم‌گذاشتن بر برف کوبیده است- غافل از اینکه بخش‌های مهمی از طبقه متوسط مدرن که روزه‌روز در حال تزیاید هستند، نیازمند توجیهات

خیلی نزدیک

فقری که به پایان نمی‌رسد

غذا و رفق تشنگی و گرمای حیوانات روستایی است؛ هونک‌هایی که هر ماه با تانکرهای آب‌رسان پر می‌شود.

۴- نبود یا کمبود دکل‌های مخابراتی

در بسیاری از روستاها تلفن وجود ندارد، چون آنتنن مخابرات وجود ندارد؛ بنابراین مردم روستا در یک بی‌خبری مطلق از همه‌جا و همه‌چیز گیر افتاده‌اند و نه امکان استفاده از تلفن ثابت را دارند و نه تلفن موبایل.

۵- افت کشاورزی و دامداری

خشک‌سالی به‌معنی واقعی کلمه روستاییان را زمینگیر کرده است. آنها سال‌هاست در زمین‌های خشک و بی‌حاصلی زندگی می‌کنند که روزگارشان را تباه کرده است. هیچ سیاست و برنامه جایگزینی برای‌شان روستاییان نشده و به‌نوعی به امان خدا راه شده‌اند. تنها اتفاقی که موجب شده هنوز ادامه حیات بدهند، یارانه است. خبر تکان‌دهنده و تلخی است، اما روستاییان نقاط دوردست و فقیرنشین، فقط با کمک یارانه زندگی می‌کنند و غیر از یارانه هیچ منبع درآمد دیگری ندارند. همین است که عزت نفس خود را از دست داده و اغلب تبدیل به انسان‌هایی شده‌اند که بی‌هیچ انگیزه‌ای و بی‌هیچ تلاشی منتظر کمک دیگران برای چرخاندن زندگی خود هستند؛ یک زندگی در حداقل خواسته‌ها و در پایین‌ترین استاندارد ممکن. آنچه در این یادداشت نوشته شده، گذری است بسیار کلی بر شرایط امروز روستاییانی که ساکن مناطق دوردست و در استان‌های محرومی مانند سیستان‌وبلوچستان، کرمان، هرمزگان و خراسان شمالی هستند. شرایط کلی حاکم بر زندگی آنها فارغ از موقعیت جغرافیایی یکسان است. همگی آنها در بن‌بست بغرنجی گیر افتاده‌اند و گویا نه تنها از تخصیص بودجه برای اندکی نفس‌کشیدن و اندکی ادامه حیات جا مانده‌اند که حتی اراده‌ای برای تغییر موقعیت و زندگی دشوار آنها وجود ندارد. روستاییان مناطق فقیرنشین و محروم ایران جز در نقشه‌های جغرافیایی هیچ کجای دیگر سهمی از زندگی ندارند. آنها فقط با نام روستاهای خود در نقشه‌های جغرافیایی و سیاسی وجود خارجی دارند و غیر از این هیچ محلی از اعراب ندارند. این مقدمه می‌تواند مبنای ورود به بحثی مفصل درباره روستاهای مناطقی چون استان سیستان‌وبلوچستان و بررسی تأثیرات فعالیت نهادهای مدنی در نبود و ضعف کارکرد دولت باشد.



اتفاق

از میزان علاقه افراد به دریافت مدرک کارشناسی ارشد کم و امکان پذیرش با کمترین درصد دانش در آن فراهم می‌شود. آمار شرکت‌کنندگان در سال‌های اخیر سیر نزولی داشته است به طوری‌که در کارشناسی ارشد ۹۳ حدود ۹۵۰ هزار نفر، در سال ۹۴ حدود ۸۱۲ هزار نفر، در آزمون ۹۵ حدود ۷۶۱ هزار نفر، در آزمون ۹۶ بیش از ۸۵۰ هزار نفر، در سال ۹۷ حدود ۷۳۵ هزار نفر و سال قبل ۶۰۶ هزار نفر شرکت کرده بودند.

علاقه‌مندی خود را برای شرکت در گزینش کدرشته‌های امتحانی دانشگاه پیام نور و مؤسسات غیرانتفاعی آزمون کارشناسی ارشد ۹۹ اعلام کردند. این در حالی است که بیش از ۴۵۰ هزار نفر در آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۸ مجاز به انتخاب رشته شده‌اند و البته حدود ۲۵۰ هزار نفر از این فرصت استفاده کرده‌اند و حدود ۱۶۰ هزار نفر در دانشگاه‌های سراسری بدون احساب دانشگاه آزاد امکان قبولی داشته‌اند. به نظر می‌رسد هر روز

مشاور عالی سازمان سنجش با اشاره به آمار ثبت‌نام ۴۸۱هزارو ۷۷ نفری داوطلبان در مرحله اول ثبت‌نام ارشد، خاطرنشان کرد: از این تعداد ۲۴۹هزارو ۴۰۴ نفر زن (۵۲ درصد) و مابقی مرد هستند، ضمن اینکه ۳۳هزارو ۶۳۲ نفر نیز علاقه‌مندی خود را برای شرکت در کدرشته دوم امتحانی اعلام کردند!

توکلی گفت: ۱۵۸هزارو ۵۷۱ داوطلب نیز

کاهش استقبال از کنکور ارشد

مشاور عالی سازمان سنجش با اشاره به آمار ثبت‌نام ۴۸۱هزارو ۷۷ نفری داوطلبان در مرحله اول ثبت‌نام ارشد، خاطرنشان کرد: از این تعداد ۲۴۹هزارو ۴۰۴ نفر زن (۵۲ درصد) و مابقی مرد هستند، ضمن اینکه ۳۳هزارو ۶۳۲ نفر نیز علاقه‌مندی خود را برای شرکت در کدرشته دوم امتحانی اعلام کردند!

توکلی گفت: ۱۵۸هزارو ۵۷۱ داوطلب نیز